

## تاثیر مشارکت دانش آموزان کم توان ذهنی در کلاس بر یادگیری و پیشرفت تحصیلی آنان

یوسف ساعد موچشی<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup>کارشناسی ارشد، تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشگاه پیام نور

آموزش و پرورش موچش

### چکیده:

این پژوهش با هدف بررسی تأثیر تدریس مشارکتی بر یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان انجام گرفت. روش پژوهش از نوع علی مقایسه‌ای بود. جامعه آماری پژوهش تمامی دانش آموزان پسر مقطع متوسطه شهرستان سنج بود که در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ در مدارس استثنایی این شهرستان مشغول به تحصیل بودند. با توجه به این که پژوهش حاضر از نوع مطالعات نیمه تجربی بود دانش آموزان به دو گروه مجزا آموزش دیده و آموزش ندیده ۲۵ نفری دسته بندی شدند. این دانش آموزان با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای طبقه‌های تصادفی انتخاب گردیدند. برای جمع‌آوری داده‌ها ابتدا ۵ درس (دین زندگی، مطالعات اجتماعی، زبان انگلیسی، علوم تجربی، ریاضی) با استفاده از شیوه تدریس مشارکتی به مدت ۱۰ هفته آموزش داده شد. سپس با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته یادگیری و معدل دانش آموزان قبل و بعد از اجرای روش تدریس مشارکتی داده‌ها لازم جمع آوری گردید. پس از جمع‌آوری داده‌ها برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از آزمون‌های t مستقل استفاده شد. لازم به ذکر است که کلیه و تجزیه و تحلیل‌های آماری در سطح خطای ۰/۰۵ و با استفاده از نرم افزار اسپاساس نسخه ۲۲ انجام گرفت. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل یافته‌ها نشان داد تدریس مشارکتی بر پیشرفت تحصیلی و یادگیری دانش آموزان کم توان ذهنی تأثیر معناداری دارد.

**واژگان کلیدی:** تدریس مشارکتی، یادگیری، پیشرفت تحصیلی، دانش آموزان.

## ۱- مقدمه

به منظور تدریس مؤثر، معلمان باید دانش کافی درباره فراگیران، موضوع تدریس و نیز روشهای مناسب داشته باشند. محققان، چهار روش آموزش را معرفی کردهاند که میتوانند به پیشرفت تحصیلی بالا منجر شوند؛ این روشها شامل تدریس مستقیم، یادگیری مشارکتی، یادگیری تسلطی و آموزش مبتنی بر طرح هستند (مک میلان و شوماخر<sup>1</sup>، ۲۰۱۴). یادگیری مشارکتی، کار کردن با یکدیگر برای دستیابی به اهداف مشترک در موقعیتهای مشارکتی است؛ افراد در چنین شرایطی، نتایجی را دنبال میکنند که هم برای خود و هم برای گروه، سودمند باشند. به عبارتی دیگر در یادگیری مشارکتی علاوه بر تعامل در کار گروهی و بالا رفتن پیشرفت تحصیلی، دانش آموزان مهارتهای مشورت کردن، فرماندهی و سازماندهی را فرا میگیرند. در این روش معلم نقش راهنما دارد و مشکلات درسی دانش آموزان را رفع می کند و سپس دانش آموزان نیز به همدیگر در فرایند یادگیری کمک میکنند (جانسون و جانسون<sup>2</sup>، 2011).

در تأیید مطالب فوق کیگان<sup>3</sup> (۲۰۱۲) معتقد بود دانش آموزان با پیشرفت تحصیلی پایینتر در گروههای مشارکتی نفع بیشتری میبرند و تعداد برندهها بیشتر است، چون همه اعضاء از موفقیت گروه بهره مند میشوند؛ همه دانش آموزان میتوانند دانستههای خود را با شرح دادن به دیگران و توجه به نظرات آن توسعه دهند. به هر حال آرزوی دیرینه هر جامعههای پیشرفت و تعالی افراد آن جامعه و داشتن شهروندانی فرهیخته و اندیشمند است و بدیهی است هر پیشرفتی در زمینههای مختلف از جمله فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، مستلزم داشتن افراد متفکر، خلاق و منتقد میباشد که بتوانند تصمیمات صحیح اتخاذ نمایند و برنامه ریزی صحیحی داشته باشند و این منوط به وجود نظامهای آموزش و پرورش فعال و پویاست. پس به جرأت میتوان گفت هر پیشرفتی از نظام کارآمد و صحیح آموزش و پرورش جوامع نشأت میگیرد و این مهم به عوامل متعددی از جمله تغییر شیوهها و الگوهای تدریس و در جهت استفاده از روشهای نوین و فعال بستگی دارد. در این راستا در زمینه یادگیری مشارکتی تحقیقات زیادی انجام گرفته است. از جمله این تحقیقها میتوان به بررسی اسلاوین در سال ۱۹۹۰ اشاره کرد. نتایج تحقیق نشان داد که یادگیری مشارکتی بر روی روابط بین فردی، پذیرش هم کلاسیهای دچار عقب ماندگی تحصیلی، افزایش دوستی بین دانش آموزان، افزایش یادگیری، نقش علاقه مندی به مدرسه و موضوعات مورد مطالعه، افزایش توجه به تکلیف و زمان اختصاص یافته به تکلیف و توانایی انجام کار مؤثر با دیگران تأثیر دارد (یزدان پور و همکاران، ۱۳۸۸).

در بین تمام متغیرهای مورد بررسی، یادگیری متغیری است که تحت تأثیر محیط آموزشی قرار دارد و وجود آن بر همه سطوح زندگی اثرگذار است. در حقیقت، بررسیهای گوناگون روانشناختی حاکی از آن است که چنانچه یادگیری ارضاء نشود، نیازهای گستردهتری نظیر آفریدن و پیشرفت ارضاء نمیگردد. به عقیده برخی محققان، یادگیری عبارت است از ارزشی که خصوصیات و صفات روانی خودپنداره برای فرد دارد و از اعتقادات فرد در مورد تمام چیزهایی که در او وجود دارد، ناشی میشود. شخصی که یادگیری دارد خود را به گونه مثبتی ارزیابی نموده و برخورد مناسبی با خود و دیگران دارد. یادگیری، اعتماد فرد به تواناییهای خود را در اندیشیدن و توانایی کنار آمدن با چالشهای زندگی است (اسمعیلی و همکاران، ۱۳۹۰).

به طور کلی بحث در گروههای کوچک باعث پایش یادگیری دانش آموزان میشود و در نتیجه استقلال در یادگیری و مطالعه آنها را در بر دارد. از سوی دیگر امروزه عملکردها و افکار تربیتی تغییر یافتهاند و اکنون یادگیری مشارکتی یک روش تربیتی مقبول به شمار میرود که در همه سطوح آموزشی پذیرفته شده است (گیلز و همکاران<sup>4</sup>، ۲۰۰۸). با این حال روش تدریس مشارکتی سالها دغدغه بسیاری از محققان و متولیان امر آموزش بوده است. این مسئله به ویژه در کشورهای در حال توسعه که بیشتر گریبانگیر معضلات و تنگناهای آموزشی هستند، بیشتر مورد مطالعه قرار گرفته است. وجود این مسأله برای ایران که درصدد دستیابی به یک جهش علمی است، بسیار حساستر است. بنابراین کشور ما برای دستیابی به اهداف خود در راستای رسیدن به پیشرفت نیاز به اجرای روشهای تدریس مشارکتی دارد، از اینرو در این راستا باید شیوههای نوین تدریس در نظام آموزش و پرورش کشور اجرا شود. به همین دلیل، اهمیت مسأله برای جامعه و همه نهادها و مؤسسات که درگیر آموزش هستند، دو چندان میگردد. افزون بر آن تفاوت های فردی دانش آموزان از نظر پیشرفت تحصیلی و عوامل مؤثر بر آن از جمله مسائلی است که همیشه مورد توجه دست اندرکاران تعلیم و تربیت و متخصصان روان شناسی تربیتی بوده است اما باید اذعان داشت پیشرفت تحصیلی تحت تأثیر یک عامل نیست بلکه عوامل متعددی نظیر روش های

McMillan & Schumacher<sup>1</sup>

Johnson & Johnson<sup>2</sup>

Kagan<sup>3</sup>

Gillies et al<sup>4</sup>

تدریس و یادگیری ممکن است بر آن اثرگذار باشند. با مرور پیشینه تجربی، در حد مطالعات و بررسیهای انجام شده، پژوهشی که به طور مستقیم تأثیر روش تدریس مشارکتی را بر یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان بررسی کرده باشد، یافت نشد. و با عنایت به این که سبک غالب در اکثر آموزشهای کلاسی سنتی است به طوری که شاگردان در زمینه یادگیری مفاهیم درسی کمتر با موقعیتهای چالش‌آور مواجه میشوند و در نتیجه فرصتهای کمتری برای تعامل، همفکری، همکاری و بحث و گفتگوی معلم با شاگردان و شاگردان یا یکدیگر فراهم می‌شود. نه تنها رقابت جایگزین همکاری می‌شود بلکه جمع‌گریزی در بین شاگردان افزایش می‌یابد. همچنین وجود نبود اطلاعات در زمینه باعث می‌گردد که معلمان در مواجهه با تغییر روشهای سنتی به سمت روشهای نوین یادگیری از خود مقاومت کاذب نشان دهند و در اعمال این مهم قصور ورزند. بنابراین با اقتباس از مسائل بیان شده تحقیق حاضر درصدد است به این مسئله پاسخ دهد که آیا تدریس مشارکتی بر یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان کم توان ذهنی تأثیر دارد؟

## ۲- روش پژوهش

این پژوهش از حیث نتایج کاربردی و از حیث روش اجرا، نیمه تجربی است. در طرح‌های نیمه تجربی با توجه به شرایط انعطاف پذیرش، محقق می‌تواند عوامل غیرقابل کنترل را دقیقاً شناسایی کند و به کنترل نظارت برخی از عوامل در حوزه تحقیق بپردازد. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمامی دانش‌آموزان پسر شهرستان سمنجان است که در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۳۹۸ در مدارس این شهرستان مشغول تحصیل بودند. با توجه به این که پژوهش حاضر از نوع مطالعات نیمه تجربی می‌باشد، دانش‌آموزان به دو گروه مجزا ۲۵ نفری نمونه آماری تحقیق را تشکیل میدهند. لذا نوع نمونه‌گیری نیز تصادفی طبقه‌های خوشه‌ای در نظر گرفته خواهد شد. در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌ها علاوه بر پرسشنامه مربوط به ویژگیهای جمعیت شناختی از پرسشنامه محقق ساخته یادگیری استفاده شد. در پژوهش حاضر به منظور اندازه‌گیری پیشرفت تحصیلی از معدل دانش‌آموزان با توجه به امتحانات به عمل آمده از آنها استفاده شد.

ابتدا ۵۰ دانش‌آموز از بین کلیه دانش‌آموزان کم توان ذهنی پسر مقطع متوسطه شهرستان سمنجان انتخاب میشوند، این ۵۰ نفر با توجه به اینکه معلمان آموزش تدریس مشارکتی را بر روی آنها اجرا کرده‌اند یا نه، به دو گروه آموزش دیده و آموزش ندیده تقسیم شدند. به عبارت دیگر دانش‌آموزانی که معلمان بر روی آموزش مشارکتی آنها کار کرده‌اند، در گروه آموزش دیده و دانش‌آموزانی که معلمان بر روی آموزش مشارکتی آنها کار نکرده‌اند، در گروه آموزش ندیده قرار میگیرند (استفاده از روش یادگیری مشارکتی شامل پذیرش مقررات، رعایت نظم، جلب توجه دیگران، احترام به دوستان، کمک به یکدیگر، گوش دادن، رعایت نوبت در صحبت، گفت و شنود با دیگران، مواظبت از وسایل و نظم در کارها، سوال کردن و پاسخ دادن و در نهایت انجام وظیفه است). با هماهنگی و حضور در مدرسی که به عنوان نمونه انتخاب شده بودند، و بعد از ارائه توضیحات لازم در ارتباط با اهداف پژوهش و نحوه پاسخگویی به پرسشنامه‌ها، پرسش‌نامه‌ها در بین دانش‌آموزان توزیع و پس از تکمیل در محل جمع‌آوری میگردد. تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو بخش توصیفی و استنباطی انجام شد. در بخش توصیفی صورت آماره‌های میانگین، درصد، فراوانی، انحراف معیار و درصد تجمعی محاسبه شد. این آماره‌ها برای خلاصه سازی و طبقه بندی داده‌های توصیفی و در قالب جدول و نمودار ارائه میگردد. در بخش آمار استنباطی نیز ابتدا نرمال بودن توزیع داده‌ها اندازه‌گیری و با تأیید این پیش فرض از آزمون تی دو گروه مستقل استفاده گردید. کلیه تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS ۲۲ انجام گرفت.

## ۳- یافته‌های پژوهش:

جدول ۱: وضعیت طبیعی بودن داده‌ها پس از اجرای روش تدریس مشارکتی

Sig	Z کولموگروف - اسمیرنوف	Parameters Normal		متغیر
		انحراف معیار	میانگین	

675/0	721/0	339/2	220/1 7	پیشرفت تحصیلی	گروه آموزش دیده
147/0	143/1	729/1	360/8	یادگیری	"
408/0	889/0	042/2	170/1 5	پیشرفت تحصیلی	گروه آموزش ندیده
314/0	961/0	916/1	440/6	یادگیری	"

**05/0 P<**

نتایج جدول ۴۱ و آزمون کلموگروف اسمیرنوف نشان می دهد، سطح معناداری بدست آمده برای کلیه متغیرها بیشتر از ۰/۰۵ است، بدین معنی که با ۹۵٪ اطمینان میتوان گفت، توزیع متغیرهای مذکور نرمال می باشند.

فرضیه صفر (۱): تدریس مشارکتی بر یادگیری دانش آموزان تأثیر معناداری ندارد.  
 جدول ۲: نتایج آزمون اختلاف یادگیری دانش آموزان براساس روش تدریس مشارکتی

تی مستقل				آزمون لوین					
سطح اطمینان ۹۵٪	تفاوت انحراف معیار	اختلاف میانگین	Sig	Df	t	sig	F		
									حد بالا
958/2	881/0	516/0	920/1	001/0	48	719/3	549/0	365/0	فرض برابری واریانس
958/2	881/0	516/0	920/1	001/0	50/4 7	719/3	0	0	فرض نابرابری واریانس

جدول فوق نشان میدهد علاوه بر تأیید فرض برابری واریانس مقدار سطح معناداری حاصل شده ۰/۰۰۱ است که از سطح خطای آزمون یعنی  $\alpha = 0/05$  کمتر است. همچنین مقدار  $t$  نیز ۳/۷۱۹ بدست آمد که از مقدار بحرانی ۱/۹۶ بزرگتر است. بنابراین نتیجه فرض صفر رد و فرض تحقیق تأیید میگردد. به بیانی دیگر در سطح اطمینان ۹۵٪ اختلاف یادگیری در دو گروه آموزش دیده و آموزش ندیده با استفاده از شیوه تدریس مشارکتی معنادار میباشد. در واقع میتوان گفت تدریس مشارکتی بر یادگیری آموزان تأثیر معناداری دارد.

فرضیه صفر (۲): تدریس مشارکتی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تأثیر معناداری ندارد.  
 جدول ۳: نتایج آزمون اختلاف پیشرفت تحصیلی دانش آموزان براساس روش تدریس مشارکتی

تی مستقل				آزمون لوین			
سطح اطمینان ۹۵٪			sig	df	t	sig	F

حد بالا	پایین حد	تفاوت انحراف معیار	اختلاف میانگین						
298/				002		301/			
3	801/0	621/0	050/2	/0	48	3	453/	571	فرض برابری واریانس
					14/4		0	/0	
299/				002		301/			فرض نابرابری واریانس
3	801/0	621/0	050/2	/0	7	3			

جدول فوق نشان میدهد علاوه بر تأیید فرض برابری واریانس مقدار سطح معناداری حاصل شده  $0/001$  است که از سطح خطای آزمون یعنی  $0/05 = \alpha$  کمتر است. همچنین مقدار  $t$  نیز  $3/301$  بدست آمد که از مقدار بحرانی  $1/96$  بزرگتر است. بنابراین نتیجه فرض صفر رد و فرض تحقیق تأیید میگردد. به بیانی دیگر در سطح اطمینان  $95\%$  اختلاف پیشرفت تحصیلی در دو گروه آموزش دیده و آموزش ندیده با استفاده از شیوه تدریس مشارکتی معنادار میباشد. در واقع میتوان گفت تدریس مشارکتی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تأثیر معناداری دارد.

#### ۴- نتیجه گیری

در فرایند یادگیری، عملکرد دانش آموز باید مورد بررسی و کنترل قرار گیرد. اگر چنین کاری انجام نگیرد معلوم نمیشود که چه بخشی از اهداف تحقق یافته است؟ دانش آموز در کدام حیطه یادگیری بهتر عمل کرده است؟ او چه مشکلات و کاستیهای دارد؟ و سوالات دیگری که به سایر ابعاد و شرایط یادگیری مربوط میشود. از اینرو هدف از تحقیق حاضر بررسی تأثیر شیوه تدریس مشارکتی بر یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان بود. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آزمون فرضیه اول نشان داد در سطح اطمینان  $95\%$  اختلاف یادگیری در دو گروه آموزش دیده و آموزش ندیده با استفاده از شیوه تدریس مشارکتی معنادار میباشد. در واقع مشخص گردید که تدریس مشارکتی بر یادگیری دانش آموزان تأثیر معناداری دارد. این یافته را نتایج تحقیقهای برتوسی و همکاران (۲۰۱۰)؛ قریشی و همکاران (۲۰۱۳)، مجاهد و محمد (۲۰۱۴) تأیید میکنند. اما نتایج تحقیق یاریاری و همکاران (۱۳۸۷) ناهمخوان با این نتیجه است. یادگیری به منزله بیان تأیید و یا عدم تأیید فرد نسبت به خویشتن است و نشان میدهد که تا چه اندازه فرد خود را توانا، ارزنده و پر اهمیت میداند و به عبارت دیگر یادگیری یک تجربه شخصی است که ترجمان آن را میتوان در سطح گفتار و در سطح رفتارهای معنادار مشاهده کرد.

هرگاه فرد ارزشیابی مثبتی از عملکرد خود داشته باشد، یادگیری وی افزایش مییابد؛ در حالی که اگر فرد ارزیابی منفی از عملکرد خود داشته باشد، یادگیری او کاهش مییابد. با توجه به موارد گفته شده در مورد یادگیری میتوان گفت که دانش آموزان با یادگیری بالا و بسیار مطمئن به تواناییهای خود، در مقایسه با دانشآموزان با یادگیری پایین، موفقیت تحصیلی بیشتری خواهند داشت. متخصصان بر این اعتقادند که معلمان ماهر از فرایندهای گروهی برای بالا بردن یادگیری دانش آموزان استفاده میکنند. یکی از این فرایندها برگزاری هم اندیشیهای دور همی و تعامل سازنده دانش آموزان در کلاس با همدیگر است که معروف به روش تدریس مشارکتی میباشد. در واقع این گونه استنباط میشود دانش آموزانی که با الگوی مشارکتی تکالیف گروهی را انجام میدهند، در آزمونها نمره بهتری را کسب میکنند، اعتماد به نفس بیشتری دارند، از مهارتهای اجتماعی مثبت و قویتری برخوردارند و درک مطلب و تسلط بر مهارتها و توانایی بیشتری دارند. این در حالی است که یاریاری و همکاران (۱۳۸۷) خلاف چنین ادعای را داند و معتقدند روش تدریس مشارکتی مهارت اجتماعی و پیشرفت تحصیلی را افزایش میدهد ولیکن توان افزایش یادگیری را برای دانش آموزان ندارد. به نظر میرسد این عدم معناداری تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار گرفته باشد. شاید تفاوت جامعه آماری تحقیق یاریاری و همکاران (۱۳۸۷) که پسران را مورد بررسی قرار داده است با جامعه آماری این تحقیق که بر روی پسران متمرکز شده است خود مزیت بر علت باشد.

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آزمون فرضیه دوم نشان داد در سطح اطمینان  $95\%$  اختلاف پیشرفت تحصیلی در دو گروه آموزش دیده و آموزش ندیده با استفاده از شیوه تدریس مشارکتی معنادار میباشد. در واقع میتوان گفت تدریس مشارکتی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تأثیر معناداری

دارد. این نتیجه با نتایج تحقیقات یاریاری و همکاران (۱۳۸۷)؛ کرمی و همکاران (۱۳۹۱)؛ شیخی و همکاران (۱۳۹۱)؛ وینستون (۲۰۰۲)؛ نیکولز (۲۰۰۲)؛ گیس (۲۰۰۳)؛ برتوسی و همکاران (۲۰۱۰)؛ قریشی و همکاران (۲۰۱۳)؛ ترن (۲۰۱۴) همخوان است. به نظر میرسد معلم با قرار دادن دانش آموزان در گروههای کوچک و تعیین هدف مشخص و زمان لازم برای رسیدن به آن که جزء محتوای روش تدریس مشارکتی میباشد، ضمن ایجاد همکاری، همفکری و تعامل بین دانش آموزان، زمینههای ارتقاء پیشرفت تحصیلی آنها را نیز فراهم کرده است. امروزه پژوهشهای مختلف به این نتیجه رسیدهاند که آموزش مفاهیم و موضوعات مختلف درسی به شیوه سنتی دیگر کارآمدی لازم را ندارد کما این که دانش آموزان برای یادگیری عمیق مفاهیم به تعامل و ارتباط سازنده با همدیگر نیازمندند. چرا که با استفاده از این روش در وهله اول به دانش آموز اجازه داده میشود ارتباط برقرار کند و در وهله دوم برای یادگیری در خود ایجاد انگیزه نماید. در نتیجه این فرایند است که احتمالاً پیشرفت تحصیلی برای دانش آموزان حاصل میگردد.

پیشرفت تحصیلی همواره یکی از دغدغه های اصلی والدین، نظام آموزش و پرورش و روانشناسان بوده است. در حقیقت، بازدهی مطلوب نظام آموزشی عمدتاً با میزان پیشرفت تحصیلی افراد شاغل در آن سنجیده می شود. معمولاً پیشرفت تحصیلی با مواردی چون معدل دانش آموز، میزان واحد گذرانده یا افتاده، اخراج یا ترک تحصیل شناخته می شود؛ گر چه در منابع از معیار معدل کل دروس یا بعضی از دروس خاص نیز در این زمینه استفاده می شود. پیشرفت تحصیلی با عوامل متعددی همبسته است. از جمله این عوامل، می توان به وضعیت اقتصادی- اجتماعی خانواده، میزان هوش فرد، انگیزه پیشرفت و غیره اشاره کرد. اما با نتایج حاصل شده از این تحقیق مشخص گردید که روش تدریس مشارکتی نیز بر میزان پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تأثیر گذار است.

منابع

- اسمعیلی، رسول. و حسنی، فریبا. (۱۳۹۱). تأثیر روش یادگیری مشارکتی در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان کم توان ذهنی. مجله تعلیم و تربیت استثنایی، شماره ۱۰۹، صص: ۵-۱۳.
- یزدانپور، ندا. یوسفی، علیرضا. و حقانی، فریبا. (۱۳۸۸). تأثیر آموزش به روش پروژههای و مشارکتی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پسر سوم تجربی فولاد شهر در درس آمار و مدل سازی. دانش و پژوهش در علوم تربیتی. شماره ۲۲، صص: ۸۵-۹۸.
- Gillies, R. M., Ashman, A. F., & Terwel, J. (2007). The Teacher's Role in Implementing Cooperative Learning in the Classroom: An Introduction. The teacher's role in implementing cooperative learning in the classroom, 1.
- Johnson, D. W., & Johnson, R. T. (2011). Intellectual Legacy: Cooperation and Competition Conflict, Interdependence, and Justice (pp. 41-63): Springer.
- Johnson, D. W., Johnson, R., & Holubec, Etc. (2008). Cooperation in the classroom (7thced.). Edina, MN: Interaction Book Company.
- Kagan, S. (2012). Kagan structures for emotional intelligence. Kagan online magazine, 4(4), 1.
- McMillan, J. H., & Schumacher, S. (2014). Research in education: Evidence-based inquiry: Pearson Higher Ed.

